



مراسم کلیسای آختامار: مشارکت یا تحریم

پاسخ انجمن ملی و فرهنگی
ارامنه به لئون آهارونیان

تمدید مهلت
پایگاه نظامی
روسیه در
ارمنستان تا
سال ۲۰۴۴



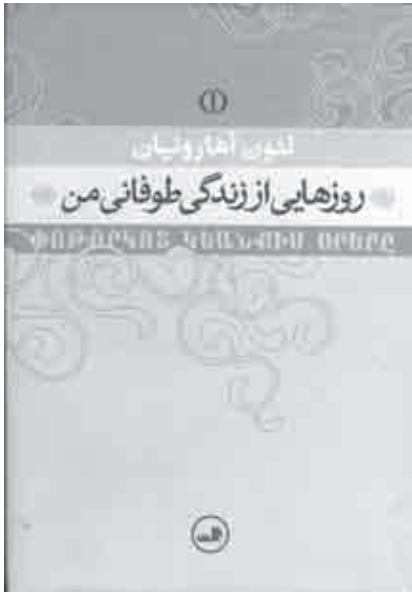
پاسخ هیأت مدیره انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران به کتاب روزهایی از زندگی طوفانی من	۲
مراسم کلیسای سورپ خاچ آختامار: مشارکت یا تحریم	۹
پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان تا ۲۰۴۴ ماندگار شد	۱۰
آوتِ دَمورِیان	
گزارش اقتصادی سازمان توسعه ارمنستان: توانایی‌های اقتصادی و مزایای سرمایه‌گذاری در ارمنستان	۱۲

انتخابات در جامعه ارمنی شاهین شهر	۲
یکی دیگر از ثروت‌های ارمنستان	۳
لئون آهارونیان	
عشق	۴
کولیا درهوانسیان	
مهلت پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان تمدید شد	۵
سرکیس هاروتونیان	
مصاحبه با گور سوجیان	۱۲

لیلیت امیرخانیان	
کتابی درباره گوهار گاسپاریان	۱۵
آرمینه ملیک ایسرائلیان	
دنیای مرموز کلمات	۱۷
پطروس بدیریان	
خوزه ساراماگو	۱۸
شانت باقرامیان	
مداوای آلرژئ گران است	۲۰
آنی گاسپاریان	
آشپزخانه: کیک شکلاتی	۲۲
ورزش	۲۳
سرگرمی	۲۷

پاسخ هیأت مدیره انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران به کتاب روزهایی از زندگی طوفانی من

انتشار کتاب *روزهایی از زندگی طوفانی من* شامل خاطرات اجتماعی، سیاسی و شخصی لئون آهارونیان در سال گذشته با واکنش‌هایی گوناگونی روبه‌رو شد. درباره تاریخ فرهنگی ارمنه ایران کم یا بیش مطالبی نوشته شده است، اما به جرات می‌توان گفت این نخستین بار بود که کسی که نقش مهمی در تحولات اجتماعی و سیاسی سه دهه اخیر جامعه ارمنه ایران بازی کرده بود، درباره این رویدادها می‌نوشت و درباره آدم‌ها و جریان‌های سیاسی دخیل، داوری و اظهار نظر می‌کرد. شرح وقایع سال‌های پر تنش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، و داوری‌ها و اظهار نظرهای نویسنده در مورد جریان‌های سیاسی طبیعتاً مورد توافق همه نبود. نوشته زیر نمونه‌ای از این تفاوت دیدگاه‌هاست. هویس پاسخ مختصر «انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران» را، که برای صفحات نشریه و حوصله خوانندگان آن چندان هم مختصر نیست، عیناً به چاپ می‌سپارد، با این امید که پاسخ آقای آهارونیان و سایر کسانی که در این رویدادها دستی داشته‌اند، بتواند به روشن‌گری هر چه بیش‌تر تاریخ سیاسی-اجتماعی ما کمک کند.



انجمن ملی و فرهنگی ارمنه تهران (ایران)

ԻՐԱՆԱԿԱՅ ԱԶԳԱՅԻՆ ԵՒ ՄՇԱԿՈՒԹԱՅԻՆ ՄԻՈՒԹՅՈՒՆ

این دو محدودیت در همین ابتدا از حضرت‌عالی و همه خوانندگان گرامی پوزش می‌طلبیم. اما در عین حال اعلام می‌کنیم که این دو محدودیت هرگز باعث نشده‌اند که کلام پاسخ‌نامه نارسا یا غیرقابل درک باشد. در همین‌جا مایلیم مراتب تشکر هیأت مدیره انجمن را در قبال مواضع دوستانه‌ای که در جلد دوم و به‌ویژه در معرفی شرایط کنونی انجمن نشان داده‌اید خدمت حضرت‌عالی تقدیم کنیم. در همین‌جا هم بابت تأخیری که در تقدیم این مختصر به‌وجود آمد از همه خوانندگان طلب عفو داریم. اگر پاسخ جنبه شخصی داشت می‌توانست بسیار سریع‌تر آماده شود، اما چون الزاماً باید بیانگر مواضع کلیت یک مجموعه به نام انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران باشد مشورت‌ها و نظرخواهی‌های عدیده و اصلاحات و تکمیل‌های بسیار از الزامات آن بود که با وجود همه وسوس‌ها هنوز هم نوشته‌ای بدون کاستی نیست. به هر حال پس از این مقدمه به شرح می‌پردازیم.

هیأت مدیره انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران قبل از هر چیزی اعلام می‌کند که عهده‌دار دفاع از همه موضع‌گیری‌های انجمن در سی سال اخیر است، تاکید می‌کنیم، هیأت‌امناء و هیأت مدیره کنونی انجمن برای همه موضع‌گیری‌ها، اعلامیه‌های انجمن، سخنان رسمی مسؤولین انجمن، تصمیمات رسمی و اعلام شده هیأت‌های مدیره، امناء و همه

دانستیم با این امید که در آینده گروه بیش‌تری از چهره‌های مطرح سال‌های پس از انقلاب دست به قلم برده خاطرات‌شان را منتشر کنند تا به این وسیله بتوان با منابعی وسیع‌تر و نگاهی فراگیرتر وقایع دوران مورد بحث را تصور نمود و خطوط اصلی تاریخ آن را ترسیم کرد.

آقای مهندس، تمام کسانی که دو جلد خاطرات شما را خوانده‌اند با ما هم عقیده خواهند بود که قهرمان منفی کتاب شما ما هستیم. حجمی بزرگ از اتهامات متوجه ماست و پاسخ درخور، حداقل به ۱۵۰ تا ۲۰۰ صفحه کلام مکتوب نیاز دارد اما از آن‌جا که ما مجبور به دادن پاسخ مختصر هستیم باید به سنگین‌ترین اتهامات یا مهم‌ترین موارد بپردازیم، به هر حال به دلایل بسیار روشن در این‌جا نمی‌توانیم به همه موارد بپردازیم اما آن‌چه هست تصویر روشنی به‌دست می‌دهد و خواننده نکته‌سنج از همین مختصر می‌تواند به نتایج مفید دست یابد.

در کنار این کم‌گویی از طرف دیگر مجبوریم مسایل مطرح شده را در موجزترین و فشرده‌ترین حالت بیان کنیم و این تراکم کلامی تا حدودی نیاز به تمرکز خوانندگان را طلب می‌کند که بابت

جناب آقای مهندس لئون آهارونیان، بهترین تبریکات و شادباش‌های ما را به مناسبت انتشار کتاب خاطرات‌تان بپذیرا باشید. حضرت‌عالی به عنوان یکی از خادمین و خیرین جامعه ارمنی ایران همواره مورد احترام ما بوده‌اید. بخش اجتماعی کتاب خاطرات حضرت‌عالی که متأسفانه طی آن گاهی نیز تنها به قاضی رفته‌اید و سعی نموده‌اید برخی خطاهای سرزده از طرف مجموعه‌ای از عوامل را فقط به حساب دیگران و از جمله انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران بنویسید، بسیاری از وقایع پس از انقلاب اسلامی و مربوط به جامعه ارمنی ایران را در بر گرفته است.

از آن‌جا که: «سرگذشت ارمنه و انجمن‌ها و تشکل‌های ارمنی در اوایل انقلاب برای دستگاه‌های دولتی مرتبط با اقلیت‌ها خواندنی...» (ص ۱۳) است، بر آن شدیم تا برخی روشن‌گری‌ها و توضیحات را که به مسائل انجمن ما مربوط است به شما ارائه کنیم، البته همگان اذعان دارند که بسیاری از مطالب کتاب شما هنوز آن‌قدر شامل مرور زمان نشده‌اند تا بتوانند کاملاً جهت استفاده عامه شکافته و مطرح شوند، اما جهت جلوگیری از سوء برداشت‌های احتمالی توضیحات زیر را ضروری

نمایندگان انجمن که رسماً جهت شرکت در مجامع و جلسات معرفی شده‌اند، خود را پاسخگو می‌دانند. انجمن ما هنوز بر سر همه موضوعی است که در سی سال قبل اعلام کرده و در اساس‌نامه آن ثبت شده است. نقطه‌نظرهای انجمن ما درباره مدارس ارمنی که در اعلامیه‌ها و برنامه‌ها ارائه شده‌اند، هنوز هم می‌توانند تضمین‌کننده نهایی مصونیت و رشد کیفی مدارس ارمنیان باشند. مدارسی که هنوز هم پس از گذشت سی سال از پیروزی انقلاب در وضعیتی تعریف نشده به سر می‌برند و هیچ راه حل نهایی برای اداره و اصلاح آن‌ها ارائه نشده است و پیشنهادات آن زمان انجمن ما نیز به دنبال همین نوع دید شما و دیگر طرف‌ها، پیگیرانه نادیده انگاشته شده است.

-

ما اعتقاد راسخ به مرجعیت بی‌بدیل اجمیادزین مقدس و رهبری عالی‌برترین پاتریارک و جاثلیق همه ارمنیان جهان داریم. در کلیسای مرسلای ارمنی نیز معتقد به وحدت ساختاری هستیم. در عین حال که به دلایل اعتقادی تابعیت کنونی کرسی‌های اسقفی ارمنیان ایرانی یعنی اصفهان، تهران و تبریز از کرسی جاثلیقی انتلیاس لبنان را تا زمان آماده شدن زمینه‌های الحاق مجدد به اجمیادزین مقدس قابل پذیرش می‌دانیم و همواره بر این عقیده هستیم که این تعلق و تابعیت تنها از اراده برخی ارمنیان ایران نشأت نگرفته و مقامات دولتی غیرارمنی و غیرمسیحی نیز در آن دخیل و دلایل سیاسی عامل آن بوده‌اند.

انجمن ما، همانند همیشه در ارمنستان طرفدار نظام حاکم به عنوان نماد و خروجی نهایی اراده ملی مردم آن است. به عقیده ما ارمنیان دیاسپورا در کشورهای متبوع خودشان می‌توانند در نظام سیاسی و اقتصادی شرکت کنند و نباید به خود اجازه بدهند درباره حاکمیت ارمنستان و تغییرات آن نقش عملی داشته و به تبلیغات سوء بپردازند، آنان که مایلند، می‌توانند بروند و در خود ارمنستان در امور سیاسی و اقتصادی شرکت کنند.

انجمن ما هنوز هم از نظر فرهنگی و مخصوصاً مذهبی و دینی، پیروی از منویات جاثلیق تمامی ارمنیان جهان را تکلیف خود می‌داند. واژگن اول، جاثلیق مرحوم، در خشان‌ترین چهره مذهبی ارمنیان جهان در قرن بیستم بود، پدری بزرگواری و دانا که علی‌رغم وجود تضیقات و محدودیت‌های بسیار، با درایت و قدرت، توان کلیسای ارمنی را ارتقا داد و استحکام بخشید. جانشینان وی، مرحوم جاثلیق گارگین اول نماد اثبات حقانیت اجمیادزین مقدس و

نماد تعالی روحانیت ارمنی مرسلای بود. این کرسی امروز هم در دستان توانایی قرار دارد.

ب و نشان و روزها در موضع مخالفت قرار داشت و شما در آن روزها همدل آن‌ها بودید، لذا همه عیوب عالم وجود را به جناح‌های حامی ارمنستان آن روزها منسوب می‌کردید. البته این ظاهر قضیه بود. ما و شما نمی‌دانستیم که رهبری حزب و زنده‌یاد ماروخیان از اوایل دهه ۸۰ یعنی همان روزهای درگیری ما و شما و حزب در ایران، در حال مذاکره و رفت‌وآمد با نهادهای امنیتی شوروی‌ها بود و طرفین مایل به عادی‌سازی روابط بودند و شاید بعدها مورخین این دوره را به عنوان غلبه رویکرد شرقی در حزب متمایز کنند. بدون این رویکرد حزب نمی‌توانست امروزه در محور سیاسی روسیه، ارمنستان و ایران جایگاهی برای مواضع خود متصور باشد...

انجمن ما همچون گذشته نظام شورایی خلیفه‌گری را بهترین نظام فرهنگی - مذهبی جهت انسجام امور جوامع دیاسپورا می‌شناسد و به شرط مشروعیت انتخاباتی و عدم آلودگی به اغراض سیاسی به آن وفادار است. اما شورایی که حضرت عالی رئیس آن بودید فاقد مشروعیت انتخاباتی بود. شما برآمده از اراده جمعی ارمنیان نبودید. انتخابات اردیبهشت ۵۹ که منجر به انتخاب شورای نمایندگان دوره دهم شد به دلایل عدیده از طرف همه نیروهای غیرداشناکسیون تحریم شده بود. ارمنه حدود سی هزار رأی در انتخابات مجلس به صندوق ریخته بودند، در حالی که کل شرکت‌کنندگان در انتخابات شورای نمایندگان دوره دهم کمی بیش از پنج‌هزار و ششصد رأی بود. همه ارقام در روزنامه «الیک» و هفته‌نامه «بیونیک» آن روزها ثبت است. در خود داشناکسیون هم عده‌ای از نتیجه ناراضی بودند و آن را نقد کردند. شما رئیس چنین شورایی بودید. خودتان در جای‌جای خاطرات‌تان می‌گویید که رهبران حزب در حال فرار از ایران بودند و همه چیز به هم ریخته بود (ص ۴۹۲). راستش را بخواهید برای انتخاب شما باید به حزب تبریک گفت. این بزرگ‌ترین ابتکار حزبی بود که با شرایط حاکم در تقابل بود و سال‌ها طول کشید تا راه و رسم رفتار با حکومت اسلامی را یاد بگیرد. در برابر شما هم، همه مردمی بودند که در انقلاب شرکت فعال کرده بودند. و انجمن‌هایی که برآمده از انقلاب بودند. در صفحه ۵۲۹ می‌گویید:

«مهم‌ترین انجمن‌هایی که در دوران پس از انقلاب فعالیت داشتند یا شروع به فعالیت کردند عبارت بودند از آارات، سپیان، رافی، اربونی، سانهین، هرازدان، انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران». در جای‌جای خاطرات از انجمن «آبویان» و کانون فرهنگی ارمنی نیز سخن گفته‌اید البته برای این آخری نامی دیگر انتخاب کرده‌اید و آن را به فردی منسوب کرده‌اید. در نارمک هم قائل به وجود «انجمن برادران عینکی» (ص ۴۳۱) هستید. خوب از همین تعداد تنها دو انجمن اول در زمره حامیان شورای خلیفه‌گری شما بودند و بقیه منتقد شما می‌گویند: «آن‌ها خلیفه‌گری را تشکیلات متعلق به حزب داشناکسیون می‌پنداشتند و به عنوان یک ساختار اساسی ملی نمی‌شناختند» (ص ۵۱۸).

در صفحات ۳۸۶ و ۳۸۷ یازده تن اعضای شورای خلیفه‌گری را معرفی کرده‌اید. به جز شخص حضرت عالی و آرمن حق نظریان و خورن تروروریان که به نوعی همدلی یا همراهی با داشناکسیون داشتند از مجموع بقیه اعضا چند نفرشان عضو یا هوادار حزب نبودند. اصلاً تعلق حزبی یک چیز است و عملکرد حزبی چیز دیگر. ما بر سر این نکته دوم بود که اختلاف نظر داشتیم. در این‌جا بود که خود حضرت عالی و آن دو تن دیگر به همراه دیگر اعضا و طرفداران داشناکسیون، گاهی حتی کاتولیک‌تر از پاپ می‌شدید. شما در صفحه ۴۴۶ شهادت داده‌اید: «این راه‌پیمایی خواسته همه ارمنه بوده و شورای خلیفه‌گری با دعوت بیش از سی و دو انجمن فرهنگی توانست آن را اجرا کند». پرسش ما این است: شما که توان بسیج ۳۲ انجمن و از جمله همه مخالفین را داشتید چرا از این قدرت بسیج در جهت وحدت و انسجام جامعه ارمنی استفاده نمی‌کردید. پاسخ این پرسش هم برای ما کاملاً روشن است. شما نمی‌توانستید همه این نیرو را در یک جا جمع کنید و یک رفتار کاملاً ملی اعمال کنید، زیرا نظرگاه‌های شما درباره غیرخودی‌ها منطبق با نظرگاه‌های تندترین جناح‌های حزبی بود، که حتی با منتقدین درونی خودشان برخورد حذفی داشتند. اصلاً همه نقطه‌نظرهایی که شما درباره غیرداشناکسیون ارائه کرده‌اید موضوعی تندتر از مواضع داشناکسیون است، اما از آن‌جا که اصولاً فردی سیاسی و حزبی نیستید، این مواضع یک‌دست و متعادل نبوده با نوسانات بزرگ همراه بود. شما با چنین دیدگاهی در بین دو گروه با مواضع متضاد و ناهم‌اند قرار گرفته بودید. نمی‌شد همراه یکی بود و از دیگری هم گلیایه داشت. شما متأسفانه این‌گونه بودید. درگیری این دو گروه از نیروها نیز امری طبیعی بود. شما چرا تعجب می‌کنید. این شما بودید که در سنگری نامتعارف قرار گرفته بودید. اصلاً فراموش کرده‌اید چرا شورای شما را «موقت»

نامیدند. اما برای این که تا به آخر صادق باشیم، باید اذعان کرد خدا را شکر که شما بودید، اگر به جای شما یکی از افراد کله پُر باد دو جناح درگیر جامعه ارمنی در ریاست شورای خلیفه‌گری بود، معلوم نبود چه بر سر جامعه ما می‌آمد.

جناب آقای مهندس آهارونیان، نکاتی هست که شما ذکر نکرده‌اید. قطعاً اطلاع دارید که از طرف انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران دو تن، یعنی زنده‌یاد گالوست خانتس رئیس هیأت مدیره وقت و آندرانیک سیمونیان عضو جوان آن دوران و رئیس کنونی هیأت مدیره، هر هفته یا حداکثر دو هفته یک بار با اسقف اعظم آرداک مانوکیان دیدار و تبادل نظر می‌کردند. این دیدارها جایگزین عدم ارتباط با خلیفه‌گری بود و در تنظیم بسیاری مسائل مؤثر بود. درایت مسؤولین انجمن ما در آن روزها واقعا چاره‌ساز بود و اگر مسؤولین ما نیز تندروی می‌کردند جامعه ارمنی دستخوش ناملایمات بیش‌تر می‌شد. خود خلیفه یعنی عالی‌جناب اسقف اعظم آرداک مانوکیان نیز به انجمن ما می‌آمد به سخنرانی می‌پرداخت و این نیز چیزی پنهان و مخفی نبود و همه می‌دانند و شما نمی‌توانید بی‌خبر باشید. ما می‌توانیم متن سخنرانی ایشان را منتشر کنیم. ایشان حتی با نشریات منتقد شورای خلیفه‌گری آن زمان نیز، از جمله هفته‌نامه «پیونیک»، مصاحبه می‌کرد و محبت پدران‌اش را از کسی دریغ نمی‌کرد. خود شما نیز، در صفحه ۹۹۲ جلد دوم خاطرات، به شخصیت منحصر به فرد ایشان پرداخته‌اید و حتی در صفحه ۹۹۵ اعلام کرده‌اید: «اسقف اعظم آرداک مانوکیان روحانی بزرگ، روان‌شناسی حاذق و مخصوصاً سیاستمدار برجسته‌ای بود. او در مدت کوتاهی دریافت که جامعه ارمنه ایران یکدست نیست و تنها از یک ایدئولوژی پیروی نمی‌کند. همه گام‌هایی که بر می‌داشت سنجیده بودند. او با برخورد خردمندانه خود توانست مانع فروپاشی جامعه ارمنه شود. در مسائل سیاسی تعادل خود را نگاه داشت با افرادی دارای عقاید گوناگون در جامعه در تماس بود». و متأسفانه از ذکر جزئیات صرف نظر کرده‌اید. نگفته‌اید چگونه ایشان توانست و چرا خلیفه‌گری نتوانست...

اما هر قدر که اسقف آگاه و بصیر بود دیگران بی‌فکر و بی‌مسئولیت بودند. در آن روزها هراج همبرچیان یکی از اعضای انجمن ما در اصفهان ترور شد. ترور آزاد ماتیان استاد ارمنی شناسی دانشگاه اصفهان به علت خطای شلیک تپانچه از پشت گردن وی، عقیم ماند و گلوله تنها شبیه جلوی اتومبیل را خرد کرد. در تبریز به داخل مغازه آرامائیس وارتانیان شلیک کور شد که به دنبال آن تنش در

جامعه کوچک ارمنی تبریز به وجود آمد. و در نهایت در اصفهان، جوانکی که با موتور به دنبال ماموریت سیاه دیگری رفته بود، تصادف کرد و دستگیر شد و شما ۹ صفحه از خاطرات شخصی خودتان را اختصاص داده‌اید به شرح این واقعه و پیامدهای سنگین و ناگوار آن برای جامعه ارمنی. شما تلاش گسترده‌ای را جهت سرپوش گذاشتن و وارونه جلوه دادن این عمل شنیع و غیر قابل پذیرش و غیر قابل توجیه انجام داده‌اید. آیا شما اطمینان دارید که آن فرد دنبال چه کاری رفته بود. مگر او با شما اشتراک منافع داشت. پس چرا آن را رفو کرده‌اید. دود این کار به چشم همه مردم ارمنی رفت، تقصیرش هم نه به عهده این یا آن انجمن بلکه گروهی مشخص بود و شما چه قدر بزرگووارانه آن را پوشانیده‌اید. پس از این واقعه تقریباً همه اعضای فعال حزب حاکم جامعه ارمنی به زندان افتادند. ما اصلاً شاد نشدیم. پیش از آن زنده‌یاد وارتکس نه‌پتیان در جایی گفته بود، و کارو هاگوپیان که شنیده بود، به کمیته دفاع از آزاد ماتیان منتقل کرد که قاتل هراج همبرچیان حزبی بوده، لذا دست حزب در محکوم کردن این ترور بسته است. اما دستور قتل حزبی نبوده است. بعد از دستگیری افراد حزب همان مقاماتی که گاهی به حضرت عالی اطلاعات ناب می‌دادند به خانواده همبرچیان اطلاعاتی با شرط عدم انتشار دادند و خانواده همبرچیان همه مطالب مربوط به قتل عزیزشان را، اعم از نام صادر کننده دستور قتل، مجری، حامی و... در یک اطلاعیه چاپ و پخش نمود و یک نمونه آن نیز در نشریه ارگان انجمن ما یعنی ماهنامه «زیازان» به چاپ رسید. شما از واقعه این ترورها بی‌اطلاع هستید؟ پس چرا حتی یک سطر در این باره ننوشته‌اید. واقعا جان آن آدم‌ها ارزشی نداشت یا این روش مذموم برای شما قابل قبول بود. آیا می‌دانید در آن روزها چه قدر از انرژی انجمن ما صرف جلوگیری از تلافی‌جویی شد. ما هنوز هم در انتظار نقد این ترورها توسط دانشکسیون هستیم.

اما چیزهایی هست که واقعا شما اطلاع ندارید. دو نکته را در این‌جا جهت ثبت در تاریخ ذکر می‌کنیم. دو بار در سال‌هایی که اجازه راه‌پیمایی ۲۴ آوریل به خلیفه‌گری داده نمی‌شد به انجمن ما پیشنهاد شد که اجازه راه‌پیمایی را بگیرد و برگزار کند، هر دو بار اعلام کردیم که ما خلیفه داریم و خلیفه‌گری که با آن اختلاف نظر اساسی داریم. اما راه‌پیمایی امری همگانی است و باید اجازه‌اش را به همان خلیفه‌گری داد. و تأکید هم کردیم که حتماً بدهید زیرا این نیاز ملی مردم ماست. بار دوم دو روز بعد از پاسخ منفی ما، اجازه به خلیفه‌گری داده شد و همه ما با تمام قوا در آن شرکت کردیم. در دوره پس از اشغال سفارت آمریکا، در مجلس

شورای اسلامی به دکتر خاچاطوریان نماینده مورد حمایت انجمن ما گفته شده بود که گروهی جمع کنید مانند گروه رادیو ارمنی که بی‌طرف باشد و بیاید. فکر تعطیل کردن روزنامه «الیک» را داریم، بیاید آن را منتشر کنید. دکتر همان‌جا گفته بود: «در بین ارمنی‌ها مسلمان پیرو خط امام نداریم. ارمنی‌ها یا این‌وری هستند یا آن‌وری، هیچ‌کدام هم زیر بار این امر نخواهند رفت. آن روزنامه مال دانشک‌هاست و حق آن‌هاست. مگر می‌شود ضایع‌اش کرد». گفته شده بود: «به هر حال در انجمن مطرح کنید». در نشست هیأت مدیره انجمن به اتفاق آرا (توجه کنید، به اتفاق آرای ۱۱ نفر) این پیشنهاد با قاطعیت و تندی رد شد. ما گفتیم: «این ننگ است و ما زیر بار آن نخواهیم رفت. اگر می‌خواهید تعطیل کنید بکنید، چرا به دنبال بدنامی ما هستید». اما طرف مقابل ما این‌گونه نبود.

کسی که شما در صفحه ۴۹۳ خیلی از رشادت وی شادمان شده‌اید، در ۳ نوبت ۳ لیست ابتدا حدود نود نفره، سپس هفتاد و چند و سپس بیست و پنج نفره را که نام «برادران عینکی» هم در آن بود، در حالی که یکی دو ماه از خروج‌شان از حزب می‌گذشت، به عنوان «عوامل ارتش سرخ در ایران» به اداره اقلیت‌های وزارت ارشاد داده بود. در همان‌جا هم آخرین لیست را به اعضای مسؤول انجمن ما نشان داده بودند و گفته بودند اگر شما هم لیستی از دانشکسیون دارید بدهید. در همان هفته دوستان ما مسأله را با اسقف اعظم در میان نهادند و اتفاقاً همان فرد در حالی که القبا‌ی زبان ارمنی را بر روی سه نوع مقوا چاپ کرده بود نزد اسقف اعظم رفته با استقبال «گرم» دوستان ما مواجه شده بود. آیا می‌شود که از چنین چیزی بی‌خبر مانده باشید، یا خلیفه آن را منعکس نکرده باشد، به ویژه که چندی بعد اسقف در جلسه پایان سال مدرسه ماری مانوکیان به طور سر بسته مسأله را عنوان کرده و همگان را به رعایت اصول انسانی و اخلاقی و تعامل با یکدیگر تشویق و از انگ زدن منع کرده بود. خود حضرت عالی نیز در صفحه ۶۵۸ گفته‌اید: «اسقف اعظم نیز که عادت نداشت چیزی را از شورای خلیفه‌گری پنهان کند در اولین فرصتی که پیش می‌آمد برای این حقیر از دیدارش با او تعریف می‌کرد...». البته در این‌جا منظور شما دیدار دیگری است، اما نفس سخن شما مبنی بر عملکرد اسقف، قابل توجه است. و پرسشی هم در این‌جا به وجود می‌آید، راستی چه کسی به شماها این اطلاعات دقیق را در مورد وابسته بودن منتقدان‌تان به قدرت‌های بیگانه می‌داد. مگر خلیفه‌گری ارمنه تهران چه می‌کرد که لازم باشد قدرت‌های بزرگ بر علیه آن جاسوس اجیر کنند. این انگ زدن‌ها آیا با اخلاق و وجدان هیچ نسبتی دارند. باز گردیم به ادامه بحث.

این آقا یکی از همراهان شما در دیدار معروفتان از وزارت کشور بود و مواجهه با خانتس و ادامه ماجرا. در صفحات ۴۸۱ و ۴۸۲ کتابتان نوشته‌اید: «در روز ملاقات در ساعت نه صبح... در آن بخش وزارت کشور حاضر شدیم. مظفری با دیدن من خواهش کرد در اطاق پهلویی منتظر بمانیم. مدتی طولانی در حالت انتظار ماندیم. دیگر صبر من لبریز شده بود پس وارد اطاق مظفری شدم. اطاق او اطاقی شمالی جنوبی بود. روبه‌روی او شخصی ایستاده بود و در دو سوی میز او نیز دو نفر دیگر ایستاده بودند. من بلافاصله آنان را شناختم. دو نفر که در دو سوی میز ایستاده بودند مرا دیدند. اما آن که پشت او به در اطاق بود نمی‌توانست شخص وارد شونده را ببیند. با صدای بلندی برای مظفری توضیح می‌داد که به اصطلاح دانش‌آموزان مایلند به تحصیل خود ادامه دهند اما اعضای حزب دانشکسیون مانع آن می‌شوند. او سخنانی چند از این دست نیز گفت. از صدایش دریافتم که او رئیس انجمن ملی و فرهنگی ارامنه ایران است. سخنان او مرا بسیار خشمگین کرد. او چون متوجه حضور من شد کوشید خویشتن‌داری کند و چند دقیقه پس از دیدن من با همراهانش از آن‌جا دور شد. پس از آن من به آقای مظفری گفتم بهتر آن بود که اطلاعات مورد نیازش را از من می‌گرفت، نه از آن شخص نامطلوب...». (در نوشتار شما چیزی خلط شده است. در این اطاق دو نفر بودند. یکی رئیس آن دایره و دیگری مدیر دفتر او. شما درباره یک نفر صحبت کرده‌اید) سپس کمی بعد ادامه داده‌اید: «آن انجمن به این نیز بسنده نکرد. آنان بعدها یک اعلامیه بدون تاریخ و بی‌معنی و فریبکارانه چاپ و در میان مردم پخش کردند. آن اعلامیه که بیش‌تر با هدف انحراف افکار عمومی و تبلیغ خود انجمن نوشته شده بود، هیچ نتیجه‌ای جز ضربه زدن به شورای خلیفه‌گری و دانش‌آموزان اعتصابی در بر نداشت.»

سپس اعلامیه انجمن ما را که متنی کاملاً منطقی، جسورانه و قابل تقدیر است، با رعایت اصول اخلاق نگارش و نقل قول، تمام و کمال آورده‌اید، اما در جای‌جای آن نظر و تحلیل‌های منفی خودتان را هم افزوده‌اید. در تمام این اعلامیه حتی یک جمله "فریبکارانه"، "بی‌معنی"، "منحرف کننده افکار عمومی"، یا "تبلیغی" وجود ندارد، و این که کجای یک دفاعیه از مدارس می‌تواند به دانش‌آموزان ضربه بزند، نگفته‌اید یا نشان نداده‌اید.

بازگردیم به اصل ماجرا. نخست این که در وزارت کشور دوستان ما ۲ نفر بودند و نه ۳ نفر.

از همراهان شما یکی همان فرد فوق‌الذکر بود و دیگری کسی که در زمان اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی، بچه‌های کانون فرهنگی ارمنی از وی در حال پاره کردن پوسته‌های کاندیداشان از روی دیوار روبه‌روی کلیسای «سرسیس مقدس» عکس گرفته بودند. جمله‌ای که شما در وزارت کشور شنیده‌اید دقیقاً این گونه بود: «من بهشون گفتم، مدرسه‌ها مال ملته، مال دانشک‌ها نیست که تا بهشون بدبین شدید اون‌ها رو تعطیل کنید». این جمله را هم در پایان دیدار نیم‌ساعته‌شان با مسوول آن بخش، خانتس به مدیر دفتری می‌گفت که از وی درباره نتایج دیدار و گفت‌وگو، سؤال کرده بود. وگرنه مسوول آن بخش در اطاق دیگری که درست در جنب این اطاق واقع بود و به وسیله یک درب ورودی به این اطاق متصل می‌شد، نشسته بود و منتظر ورود شما بود. اتفاقاً دوستان ما هم که نیم ساعت در حال گفت‌وگو بودند حدود یک ربع پس از آغاز گفت‌وگو، به وسیله همان مدیر دفتر از حضور شما با خبر شده بودند. مسوول مربوطه گفته بود: «بگوئید منتظر باشند». زمان خارج شدن دوستان ما هم آن‌ها کاملاً مطلع بودند که قرار است شما وارد شوید. این را مسوول گفت‌وگوکننده به مدیر دفتر گفته بود. یعنی ظهور شما در آن‌جا اصلاً غیرمنتظره نبود. این شما بودید که از دیدن دوستان ما متعجب شدید و نه آن‌ها، و تازه مگر آن‌ها چه چیزی می‌توانستند حتی در صورت داشتن سوءنظر به مسوولین وزارت کشور منتقل کنند. نقطه نظرهای انجمن را؟ این‌ها که در اعلامیه‌ها چاپ شده بود. شما فکر کردید مسوولین دولتی اعلامیه نمی‌خوانند یا نمی‌توانستند در جای دیگری و در وقت دیگری با دوستان ما دیدار کنند؟ اصلاً شاید همزمان کردن این دیدار یک ترفند مدیریتی دولتی بود.

قضاوت شخصی شما هم خیلی دردناک است. آن مدیر بیست و دو-سه ساله دفتر را «دانشجویی تحصیل کرده» توصیف کرده‌اید و گالوست خانتس شاعر معروف ارمنی ایرانی و کسی که ناظر معماری و ساخت ساختمان دادگستری بوده است و نشان درجه سه همایون برای این خدمت ملی دریافت کرده و یکی از متشخص‌ترین ایرانیان ارمنی دوره خودش بود را با ترکیب عنصر نامطلوب نامیده‌اید. چه کسی به هر کدام از ما اجازه می‌دهد که این گونه درباره دیگران قضاوت کنیم.

در دیدار بعدی خلیفه گفت: «آقای خانتس، آخر شما هم نزد مقامات دولتی می‌روید. هفته قبل در وزارت کشور بوده‌اید». خانتس گفت: «حضرت اسقف من برای باز نگهداشتن مدارس ارمنی حاضرم حتی به پاپوس شیطان هم بروم».

همه این‌ها از ما سرزده است. اگر می‌خواهید ما را محکوم کنید این‌ها را بگوئید. وگرنه با طرح

یکجانبه مسائل به کجا می‌رسید. به حمدالله توان مالی و اعتبار اجتماعی خوبی دارید، کتابتان را هم حتی الامکان توزیع کرده‌اید، حالا این نوشتار ما را چه می‌کنید؟ وجدانا با پاسخ‌های ما چه می‌کنید؟ آیا می‌توانید به همه کسانی برسانید که کتابتان را خوانده‌اند؟

همه این‌ها را می‌شود به نوعی توجیه کرد. درباره دکتر هراچ خاچاطوریان چه می‌گوئید. درباره وی اصلاً صحبتی نکرده‌اید. اصلاً انگار نه انگار که چنین شخصیتی در مجلس بود و محبوبیت خوبی هم داشت و در بسیاری مسائل از جمله ماجرای باغ کشمش، حفظ باشگاه «آارات» تهران، مسأله مدارس ارمنی، کتب دینی و ده‌ها مشکل دیگر مستقیماً نقش سازنده داشت. آیا واقعا شما می‌توانید بی‌اطلاع باشید که در تاریخ پارلمانی ایران اولین سخنرانی درباره ۲۴ آوریل و قتل‌عام ارمنیان، به وسیله دکتر هراچ خاچاطوریان در جلسه ۱۳۶ در تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۶۰، برابر با ۲۳ آوریل ۱۹۸۱ در مجلس شورای اسلامی ایران ارائه شده است. این سخنرانی قبل از دستور، ۱۷ دقیقه طول کشید. اصل داستان از این قرار است که آقای حجت انصاری نماینده مردم لاهیجان ۵ دقیقه از وقتش را در اختیار آقای دکتر خاچاطوریان قرار داد و ریاست مجلس با بزرگواری تمام اجازه داد تا نطق دکتر خاچاطوریان تا به آخر ارائه شود. قطعاً ایشان نیز واقف بود که در مجلس شورای اسلامی واقعه‌ای تاریخی در حال تکوین است. اما شما چه کرده‌اید؟ اولاً که اولین سخنرانی درباره ۲۴ آوریل را به مرحوم خالاتیان نسبت داده‌اید و سپس در صفحه ۴۸۹ به ۳ تن از نمایندگان اقلیت در مجلس انگ سیاسی زده‌اید. این یک کار پلیسی است و کسی از نویسندگان خاطرات شخصی، چنین توقعی ندارد. خدا را شکر که مقامات سوابق هر کدام از افراد را دارند. اگر کتاب شما ملاک ارزیابی قرار می‌گرفت واقعا تاجه حد پای پاسخ‌گویی وجدانی این مسأله می‌شد ایستاد. در حالی که همه می‌دانند نظام اسلامی هم با کسی سر شوخی نداشته است و یک تن از نمایندگان اقلیت، یعنی زنده‌یاد دکتر سرگن بیت اوشانا به دلایل سیاسی مدتی در بازداشت بود.

در عوض درباره آقای خالاتیان می‌گوئید: «تنها هرابر خالاتیان نماینده ارامنه شمال دارای گرایش ضد چپ‌گرایی بود...» (ص ۴۸۹). البته ما شنیده بودیم که ایشان خودش را سوسیالیست و چپ واقعی می‌دانست و همه دیگران را غیر واقعی. حالا شما او را ضد چپ اعلام می‌کنید. اصولاً

شما درباره همکاران تان یک موضع برادرخواندگی یا فرزندخواندگی دارید. در مورد همه اعضای خلیفه‌گری دوره خودتان و نماینده مجلس و... تعصبی دارید که اصلا منطقی و قابل قبول نیست. هر قدر هم که خاطرات خوبی با آنان داشته‌اید، مسؤول بهشت و دوزخ آن‌ها که نیستید. شما حتی ده‌ها صفحه را به توجیه عملکرد حزب دانشکسیون در دوره خودتان اختصاص داده‌اید. اصلا چنین توقعی از شما نیست. خود حزب هم روزنامه و هم امکانات دیگر دارد، لازم باشد از خودش دفاع می‌کند. در ثانی اگر این قدر نسبت به حزب علاقه دارید چرا روابط تان تا این حد سرد است.

شما نقش مرحوم خالاتیان را در بسیاری موارد، زیادی بزرگ‌نمایی کرده‌اید. آیا خبر ندارید که ایشان در یک مصاحبه مفصل با نشریه «سروش» زشت‌ترین نوع برخورد و اهانت را نسبت به ساختار کلیسای ارمنی و اجمیادزین مقدس روا داشت و بعد از دیدن عکس العمل تند جناح مخالف و حتی طرفداران واقع‌بین خودش، در نامه‌ای که در «آلیک» به چاپ رسید، مدعی شد که بیش از یک‌صد اشتباه در این مصاحبه جای گرفته است و خواستار اصلاح شد. همان آقای خالاتیانی که گفته بود هرکجا خاچاطوریان هست من نمی‌روم، به همین دلیل هم در برنامه تالار وحدت که در صفحه ۵۱۲ از آن سخن گفته‌اید از ابتدا نیامدید.

شرح درست آن ماجرا نیز چنین است: با تقاضای وزارت ارشاد و اداره اقلیت‌های آن قرار بود هر نماینده مجلس دو نفر را تعیین کند و جمعا ۵ نماینده اقلیت با ۱۰ فرستاده تام‌الاختیار در تالار وحدت سالگرد انقلاب را برای اقلیت‌ها برگزار کنند. دکتر خاچاطوریان هم از هشت انجمن ارمنی دعوت کرده بود و با شرکت نمایندگان همه آن‌ها جمعی پدیدآورده بود. این انجمن‌ها عبارت بودند از ۱- وانا از ده ونک ۲- آرمین از محله میرزای شیرازی ۳- اربونی از حشمتیه ۴- هرازدان از مجیدیه ۵- ساناهین از نارمک ۶- رافی از زرکش ۷- آبوویان از مجیدیه و ۸- انجمن ملی و فرهنگی از سمیه (مرکز شهر). خود این انجمن‌ها نیز نسبت به یکدیگر انتقاداتی داشتند، اما همه به دکتر خاچاطوریان احترام می‌گذاشتند و به ایشان به عنوان عامل وحدت می‌نگریستند. اولین جلسه در خلیفه‌گری ارامنه بود. تا شما دیدید که از طرف دکتر خاچاطوریان دو تن از ارمنیان به زعم شما نامتعارف، آمده‌اند، بهانه کردید و جلسه را به تعطیلی کشانیدید. جلسه بعدی در انجمن زرتشتیان تهران برگزار شد. مرحوم خالاتیان به حضور یکی از افراد ارمنی منسوب به خاچاطوریان اعتراض کرد و خواستار خروج وی شد، آن فرد از جلسه خارج شد. اما در ادامه آقای خالاتیان گفته بود چهار اقلیت

داریم، ما نماینده تهران هستیم، باهم برگزار کنیم. موبد به این امر خندیده بود، اسقف هم لبخند زده بود. اما گروه خالاتیان دیگر نیامد. به جز مدعوین عام ۵۰۰ دعوت‌نامه بین ۴ گروه اقلیت تقسیم شد. اگر خالاتیان می‌آمد به ارمنی‌ها ۲۰۰ دعوت‌نامه می‌رسید (دو پنجم از پانصد) و به اقلیت‌های دیگر هر کدام ۱۰۰. حالا به ارمنی‌ها ۱۲۵ عدد (یک چهارم از پانصد) دعوت‌نامه دادند. یک هفته مانده به مراسم، نماینده دکتر خاچاطوریان ۵ کارت دعوت را به دفتر خلیفه برد و جهت خلیفه تحویل داد و رسید کتبی گرفت. دو روز مانده به مراسم، شما و خلیفه‌گری تقاضا کردید که یک گروه کر هم از شما در مراسم باشد. قبول شد. گروه کر انجمن سپیان به نام خلیفه‌گری آمد و سرود فارسی قلم و یک سرود دیگر ارمنی را خواند. گروه کر مشترک انجمن ملی و فرهنگی ارامنه ایران و انجمن آبوویان هم سرود ارمنی «باری برک» و سرود فارسی «بهاران خجسته باد» را خواند. با آن ۵ کارت دعوت خلیفه، خود ایشان، حضرت‌عالی، آقای خالاتیان و یکی از همراهان همیشگی تان به جلسه آمدید، با کارت پنجم هم خبرنگار روزنامه آلیک آمده بود. مرحوم خالاتیان نتوانست با تحمیل انحصار خود از حضور خاچاطوریان جلوگیری کند که سهل است مجبور به شرکت هم شد. عکس و تفصیلات این مراسم در سال‌نامه انجمن ما بنام گارون ثبت است. و تصویر آن به پیوست تقدیم می‌شود. این چه صحبتی است که فرموده‌اید: «می‌خواستند نفر دیگری به جای خلیفه صحبت کند». مگر می‌شود؟ خودتان هم این را باور ندارید. چرا نوشته‌اید؟ برای باور خواننده یا توجیه عملکرد یک‌جانبه و کاملاً اشتباه‌تان؟

شما این را هم اطلاع ندارید که در صحبت‌های ما با خلیفه، بارها درباره اجمیادزین مقدس و لزوم تجدید روابط با آن سخن به میان آمده بود. خلیفه می‌گفت: «آیا فکر می‌کنید اگر ارتباط با اجمیادزین باشد مرا باید از ایران اخراج کنند. صحبت‌های رهبران انتیلیاس و اجمیادزین مقدس بنا را بر این گذاشته است که حتی در صورت تغییر تبعیت از انتیلیاس به اجمیادزین خود من در این‌جا خواهم بود». ما هم بارها گفته بودیم که نه با شخص ایشان و نه با انتیلیاس هیچ مشکلی نداریم و مشکل ما با تبعیت کرسی‌های سدگانه ایران از حوزه انتیلیاس است. امری که برای ما بسیار ثقیل است و قبولش نداریم اگر چه به دلایل اعتقادی بر علیه آن نمی‌شویم.

این واقعه، یعنی جشن مشترک اقلیت‌های مذهبی در تالار وحدت به مناسبت دهه فجر و سالگرد انقلاب، اثبات‌کننده شکست سیاست یک‌تازی بود که خلیفه‌گری تحت رهبری شما و دوستان تان در جامعه ارمنی در پیش گرفته بود.

ورزشی که به هیچ حزب و سازمان سیاسی بستگی ندارد و فعالیتش در جامعه ارمنی ایران متمرکز است و اعضای انجمن نمی‌توانند به نام انجمن به فعالیت سیاسی مبادرت ورزند». سوم این که آقای واهگان از بیش از ۴۰ سال پیش ساکن آلمان غربی و شهری بنام الدنبرگ است و نه کشوری دیگر. همسر و دو فرزند دارد و هتل‌دار است. وی در مقطع فروپاشی اتحاد شوروی یکی از فعال‌ترین مبلغین جنبش مردمی ارمنستان در اروپای غربی بود و از نیروهای ضد نظام شوروی طرفداری می‌کرد. پس از فروپاشی هم همسر خواهر ایشان، آقای آساتوریان که از فعالین جنبش و از نزدیکان آقای لئون ترپتروسیان بود پست بالایی گرفت و به ریاست بانک مرکزی ارمنستان رسید. خود واهگان هم به واسطه حمایت‌هایش از جنبش، مورد احترام همه مقامات ارمنستان مستقل بوده و هست.

البته شاید شما واقعا دیداری با ایشان داشته‌اید. اما چرا توقع دارید که ایشان را نماینده انجمن ما معرفی کنید؟ آیا معرفی‌نامه کتبی داشته است؟ چگونه می‌خواهید ادعای تان را باور کنیم؟ امکان ندارد شما در سال‌های اخیر که با اهداف خیریه به ارمنستان می‌روید ایشان را ندیده باشید و از آنچه گفته شد بی‌خبر باشید. حالا چرا درباره ایشان این گونه مبهم سخن گفته‌اید و درباره فعالیت‌های سال‌های اخیرش چیزی نگفته‌اید، جای پرسش دارد.

اما اصل مسأله این است که اگر شما برای انجمن ملی و فرهنگی جایگاه تعریف شده‌ای داشتید مستقیما هیأت مدیره را دعوت می‌کردید.

جناب آهارونیان، آنچه واقعا جای عبرت گرفتن است این که، سال‌ها بعد شما هم مثل ما شدید. پس از استقلال ارمنستان در دورانی که روابط حزب با سران جمهوری به تیرگی گرایید، همان‌گونه که ما را «لئونگان» می‌نامیدند شما را نیز به همین لقب مسمی می‌کردند. دلایلش این بود که ما از چهره اول ارمنستان مستقل دفاع می‌کردیم و حزب با او در تقابل بود. در دوران پیش از فروپاشی هم همین طور بود. هر وقت دیگر هم که حزب با رهبران ارمنستان به تقابل برسد با امثال ما و شما در موضع مقابله قرار خواهد گرفت و این ضعیف‌ترین حلقه در عملکرد حزب داشناکسیون در دیاسپورا است. وضعی که صادقانه آرزو می‌کنیم روزی برطرف شود و عملکرد آنان در ارمنستان و در دیاسپورا فرمولی قابل قبول بیاید، و آنان سیاست حزب در ارمنستان را مستقیما به دیاسپورا منتقل نکنند و خودشان را در وضعیت غیر قابل توجیه قرار ندهند.

جناب مهندس آهارونیان

ما همه این‌ها را به یاد داریم و نیز بیاد داریم

که منافع ملی از هر چیزی بالاتر است. ما به ایرانی بودن‌مان تا آخرین قطره خون و به ارمنی/مسیحی بودن‌مان تا خروج روح از تن وفاداریم. این دو عامل فانوس ما و قطب‌نمای ما در همه طوفان‌ها و تلاطم‌ها بوده‌اند و هستند. خدا را شکر می‌کنیم که امروز نام ارمنستان عامل موضع‌گیری گروه‌هایی از ارمنی‌ها نباشد و عامل وحدت باشد و به دلیل همین روح وحدت‌طلبی است که کمتر از استحقاق خود با مسائل جامعه ارمنی برخورد می‌کنیم. اما نمی‌توانیم به یاد نیاوریم که امروزه در دوران ارمنستان مستقل، هنوز ساختار کلیسایی ما از افتراق دردناکی رنج می‌برد و متأسفانه وجود عامل استقلال توانسته است برخی روحانیون ما را بیدار کند. اما خدا را شکر می‌گوییم که امروز حضرت‌عالی با ما در مواضع دفاع از مرجعیت اجمادزین مقدس قرار دارید و حتی در سال‌های اخیر خود و همسر فقیدتان به افتخار دریافت عالی‌ترین نشان از دست حضرت جاثلیق گارگین دوم نائل شدید. شمایی که هفت سال رئیس خلیفه‌گری تابع انتیلیاس بوده‌اید بهترین سند حقانیت مواضع ما را به دست داده‌اید.

جناب آهارونیان، با طرح یکی از جدی‌ترین انتقادات مایلیم بخش اصلی این نوشته را به پایان ببریم و برای ارائه تاریخچه‌ای کامل‌تر منظرمناسبتی دیگر و بهتر باشیم. آیا شما اطلاع ندارید که سفارت جمهوری ارمنستان در تهران به لطف وجود دو ساختمان امکان افتتاح یافت. یکی ساختمان سفارت که شورای خلیفه‌گری ارمنه تهران در اختیار قرار داد و دیگری ساختمان مسکونی چهار طبقه کادر سفارت واقع در میدان گل‌ها. این ساختمان نه وقفی بود و نه مخروبه. با برخورد مسؤولانه انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران و به همت اعضای آن از جمله ماسیس ماتیان که از قربانیان سقوط توپولف قزوین است و همیاری وارتاپت توسونیان نماینده خلیفه‌گری ارمنیان کاتولیک خریداری شد، در اختیار قرار داده شد و بیش از دو سال هیچ کرایه‌ای از سفارت دریافت نشد. آیا شما از وجود و اهداء این ساختمان بی‌خبر بودید، آیا این گام ارزش انعکاس ندارد؟

غیرممکن است که همه مطالب فوق از دید نافذ شما دور مانده باشد. به عقیده ما، شما انجمن ما را به عنوان پاره‌سنگ ترازوی سنجیدن داشناکسیون قرار داده‌اید. یعنی چون انتقادات زیادی به حزب داشته‌اید ما را هم کمی سیاه کرده‌اید تا از هر دو طرف هیچ‌کدام شادمان نشود. البته اگر گاهی دفاعی از حزب کرده‌اید از ما هیچ دفاعی هم نکرده‌اید.

نکته دوم هم این است که چون می‌دانید چه قدر کم‌کاری و عدم موفقیت بوده است سعی دارید این ناکامی‌ها را به حساب مخالفت‌های دیگران بگذارید و مخالفت‌ها را کارشکنی جلوه دهید.

جناب آهارونیان، از روز پیروزی انقلاب تا کنون، هرگز توان هیچ نیروی منتقد خلیفه‌گری در حدی نبوده است که بتواند کارشکنی کند، این را خود حضرت‌عالی بهتر از هر کسی می‌دانید. هم شما و هم همه مسؤولان گذشته و کنونی که مایلند بیلان کار ارائه کنند، لطفا فراق‌کنی نکنند و همه پیروزی‌ها و ناکامی‌ها را یک‌جا به عهده بگیرند و گرنه نمی‌شود که از پیروزی‌ها با افتخار سخن بگویند و ناکامی‌ها را به زمین و زمان و خصوصا نیروهای تازه‌کار، نوپا، نحیف و بی‌تجربه‌ای نسبت بدهند که تازه وارد عرصه زندگی اجتماعی ارمنه شده بودند، اما شماها چشم‌تان را بر آن‌ها می‌بستید و هزار رنگ‌انگ بر آن‌ها می‌زدید. نکته سوم هم این است که برخی نیروهای جوان و نوپا اگرچه با شما مخالف بودند و انتقاد داشتند اما در نزد مقامات دولتی همان مطالبی را مطرح می‌کردند که شما نیز طرح می‌کردید و از این لحاظ تقویت‌کننده مواضع شماها در مطالبات بودند و این از عطایای مخفی الهی بود که شکرانه‌اش را هرگز از شما در هیچ کجای دو جلد خاطرات‌تان ندیده‌ایم.

جناب آقای مهندس آهارونیان واقعا جای تأسف است که ما امروز به جای سخن گفتن از همه زیبایی‌های موجود در کتاب حضرت‌عالی و برخورد‌های شجاعانه شما با برخی مسائل پیش آمده و نیز همدلی با احساسات رقیقی که در برخی موارد دیگر داشته‌اید، مجبوریم از مواضع انجمن در برابر اتهاماتی که به ما وارد کرده‌اید دفاع کنیم. این موارد می‌توانست در خاطرات شما نباشد یا حداقل واقع‌بینانه‌تر مطرح شود یا با احتساب دیدگاه‌های کنونی تان متعادل‌تر شود. با همه تأسفی که داریم به نظر ما همین روشنگری‌ها هم پیامد چاپ خاطرات شماسست و شاید ادامه حرکتی سودمند، که در پی چاپ خاطرات، به جامعه ارمنی ایران تحمیل شده است. البته این را هم نباید از نظر دور داشت که برخی جریان‌ات، گروه‌ها و احزاب دارای نظر، هرگز درباره مسائل مورد علاقه‌شان سخن نخواهند گفت. برخی از کسانی که چیزهایی خواهند گفت همه مسائل را نخواهند گفت و برخی دیگر ناتوان از بررسی همه مسائل خواهند بود زیرا آنچه در ۱۷۰۰ صفحه مطرح شده است چه‌طور می‌تواند در ده بیست صفحه جمع‌بندی و مطرح شود. مثلا از صفحه ۴۷۰ تا پایان جلد اول کتاب صفحه ۶۶۸، به جز چند صفحه انگشت‌شمار، به مسأله مدارس و کتب درسی پرداخته شده است یعنی حدود ۲۰۰ صفحه با زمینه‌های پیش و پس از آن. اما برای پاسخ، شاید یک تا چند صفحه بیش‌تر در اختیار نیست. به هر حال ما برخی از مواردی را که امکان طرح مبسوط در این نوشته نداشت به صورت اجمالی تقدیم شما و خوانندگان ارجمند می‌کنیم

تا وقتی دیگر که امکان وسیع‌تری برای پرداختن به مسائل باشد:

الف- در جای‌جای کتاب‌تان با نام بردن از جریان‌ات، انجمن‌ها و نشریات چپ و چپ‌نما و چپ‌رو و چپول سعی کرده‌اید ما را با آن‌ها جمع‌بندی کنید. ما همه را تکذیب می‌کنیم، ضمن اعلام این‌که انجمن ملی و فرهنگی ارامنه ایران هیچ ارتباط ارگانیک با هیچ‌کدام از جریان‌ات و گروه‌ها و نشریات نامبرده شما نداشته است. اگرچه همدلی برخی از اعضا انجمن با برخی اعضای این گروه‌ها می‌تواند امری عادی و طبیعی باشد و نه سند ارتباط ارگانیک برای انجمن ما. آن‌چه انجمن ماست در اساس‌نامه‌اش ذکر شده است. ما سازمانی اجتماعی با زمینه فعالیت ملی و فرهنگی هستیم. عملکرد ورزشی و پرداختن مناسب‌های مذهبی اجزاء لاینفک کار فرهنگی ما هستند. درباره رویکرد دینی انجمن ما، یک تبصره کاملاً گویا هست که صفحه اول اساس‌نامه آن ذکر شده است. انجمن ما نشریه «زیازان» را با ترتیب انتشار یک‌ماهه در سال‌های دهه ۶۰ و تقویم سالانه «گارون» را در ۳ سال این دهه، «خبرنامه» پیشاهنگی بخش کودکان و نوجوانان و بولتن داخلی «خوسناک» را در آغاز سال‌های دهه ۸۰ منتشر کرده است و در این نشریات تعداد زیادی از افراد غیرعضو انجمن نیز مطالبی داشته‌اند که همه تابع قوانین مطبوعاتی کشور است.

ب- با اشاره به مصاحبه‌ای در صفحه ۵۲۰ گفته‌اید: «در این مصاحبه از انجمن ملی و فرهنگی ارامنه پرسیدم مگر آن‌ها چند عضو ارمنی دارند که خود را نماینده برحق ارامنه ایران می‌دانند». ما از شما و هر کس دیگری که چنین ادعایی را دارد تقاضا می‌کنیم یک سطر از نوشته یا اعلامیه یا موضع‌گیری متعلق به انجمن ما را نشان بدهد که در آن‌جا «انجمن ملی و فرهنگی ارامنه ایران خود را نماینده برحق ارامنه ایران» معرفی کرده باشد. ما این را قویاً تکذیب می‌کنیم و برای حرف زنده نقد شما را نمی‌پذیریم. ضمناً ما هر چه عضو داریم همه ارمنی/مسیحی طرفدار کلیسای مرسلی هستند و اگر انجمن دیگر ارمنی هست که عضو غیرارمنی داشته باشد بر ما پوشیده است.

ج- در صفحه ۳۸۲ کتاب شما ضعیف‌ترین برخورد ممکن با یکی از جدی‌ترین دسیسه‌های طرح شده در جامعه ارمنی به عمل آمده است. شما در سه صفحه از کتاب خاطرات‌تان که «براساس اظهارات مهندس ویگن گتورگیان یکی از اعضای شورای خلیفه‌گری آن زمان» تنظیم کرده‌اید،

آن را تبدیل کرده‌اید به خاطرات مشترک شما و دوستان یا خاطرات یکی دیگر در کتاب شما. ما به عنوان یک جریان اجتماعی که از نزدیک پی‌گیر این عمل خام و ناسنجیده کانون فرهنگی ارمنی و عکس‌العمل توطئه‌گرانه خلیفه‌گری و حزب حامی آن بوده‌ایم، حاضریم چند نفر از کسانی را که در حلقه نزدیک دوستان شما قرار دارند یا افراد امین محسوب می‌شوند معرفی کنیم، روشنگری‌های به قول شما برادران عینکی را که خود از سامانگران حرکت فوق بوده‌اند و به گفته خودشان زنگ‌های کلیسای سورپ تارگمانچاتس زرکش را به صدا در آورده‌اند و بعدها از حزب خارج شدند را نیز بیفزاییم، دفاعیات حزب نیز لحاظ بشود تا حقیقت ماجرا یک بار برای همیشه روشن شود. در آن ماجرا ۱- هیچ‌گونه گروگان‌گیری انجام نشده است ۲- مراجعه برخی خانواده‌های نیازمند به وسیله «کانون فرهنگی ارمنی» سامان‌دهی شده بود و هدفش گرفتن کمک برای ساخت‌وساز در قطعه زمینی بود در خیابان ۱۶ متری دوم مجیدیه جنوبی که هم اکنون به عنوان «ورزشگاه شهید رجایی» شناخته می‌شود. این زمین به ۵۶ قطعه ۱۲۰ متری تقسیم شده بود و هر قطعه به نام دو خانواده بی‌بضاعت قرعه‌کشی شده بود. حتی خطوط مرزی زمین‌ها با کلنگ گود انداخته شده بود. پس از موفقیت توطئه فوق‌الذکر، غیر از حرام شدن طرح زمین‌های مذکور، انجمن‌های «هرازدان» و «ارمن» نیز تحت تعرض وسیع یک هفته‌ای نیروهای معلوم قرار گرفتند. در حیاط مدرسه آارات که مکان استقرار انجمن «هرازدان» بود ۱۱ نفر به وسیله چاقو مضروب شدند که یک نفر از مهاجمان و ۱۰ نفر از مدافعان انجمن بودند. ما متأسفیم از این‌که برخی افراد سردمدار آن روز آن جریان، امروزه سکوت آن توطئه ابراز نظر ندارند. این افراد حداقل

گروگان‌ها آمده‌اند». این دُم آن خروس بزرگی است که امین شما در جیب دارد. در ساعت یک بامداد آن جوان‌ها در آلیک و آارات که دو مرکز خارج از محله‌ها هستند چه می‌کردند البته برای آن ساعت شب خود سپیان هم جای سوال دارد. آن نیروهای مسلح غیرنظامی و غیر ارمنی هم که همراه آنان بودند و بلافاصله دورتادور حیاط خلیفه‌گری را قرق کردند و بر دروازه ایستادند و اجازه خروج ندادند تا

برخی هرچه می‌خواهند بکنند در آن ساعت شب از کجا آمده بودند؟ اما برای این‌که تقریباً ابعاد قضیه را بدانید اضافه می‌کنیم که در یکی از شهرستان‌ها اطلاعیه‌های آن شب یک روز زودتر چاپ و آماده توزیع شده بوده‌اند. بله آقای آهارونیان، شما و ما لعبتکانیم و برخی آقایان لعبت‌باز. حداقل این یکی را می‌دانیم که چگونه عده‌ای آلت دست شده‌اند. گروه بزرگی از ماجرا آفرینان آن شب بعدها از حزب جدا یا اخراج شده‌اند. تازه خود حزب و مخالفین آن نیز در سال‌های بعد به دوستان یا همکاران یکدیگر تبدیل شده‌اند و در فضای تلطیف شده، ابعاد زیادی از ماجرا روشن شده است. اما این‌که چرا شما و چرا کتاب خاطرات حضرت‌عالی! در حالی که خیلی ماجراهای دانسته را مطرح نکرده‌اید، این را چرا طرح کرده‌اید.

یک بار دیگر اعلام می‌کنیم با این‌که انجمن ما هیچ ارتباطی با این ماجرا نداشت همه مسائل را با دقت پی‌گیری می‌کرد. این بزرگ‌ترین توطئه در جهت خاموش کردن صدای کسانی بود که در انجمن‌های مردمی گرد آمده بودند اما تجربه فعالیت اجتماعی نداشتند.

این واقعه از آن نظر حائز اهمیت تاریخی است که نقطه عطفی شد برای این‌که انجمن‌های مردمی و افراد اطراف آن‌ها کاملاً از خلیفه‌گری سرخورده شوند و کم‌کم زندگی اجتماعی را رها کنند. این نقطه آغاز کمرنگ شدن حضور مردم در صحنه بود. شماها نتوانستید با درایت و پختگی نیروهای عظیم وارد شده در زندگی اجتماعی را جذب کنید. این مردمان کم‌کم به خانه‌هاشان رفتند و بعدها گروه گروه دروازه‌های مهاجرت را کوبیدند. تنها عدم جذب آن‌ها نبود که باعث نومیدی می‌شد. شماها در حل بسیاری از مسائل کاملاً ناتوان نشان دادید به طوری که برخی مسائل هنوز هم لاینحل باقی مانده‌اند...

هرچه بود، گذشته گذشته است. امروز، با مسائل خاص خود، جامعه ارمنی ایرانی را به چالش‌های مدرن‌تر فرا می‌خواند. برای رویارویی با همه مسایل روز باید جامعه‌ای فهیم، منسجم و یکدل داشته باشیم. جدا و صمیمانه آرزو مندیم انتشار خاطرات شما بتواند در راه حصول چنین جامعه متحدی تأثیرگذار باشد.

با احترام مجدد و آرزوی طول عمر و توفیق
برای حضرت‌عالی
هیأت مدیره انجمن ملی و فرهنگی ارامنه ایران
تابستان ۱۳۸۹-تهران

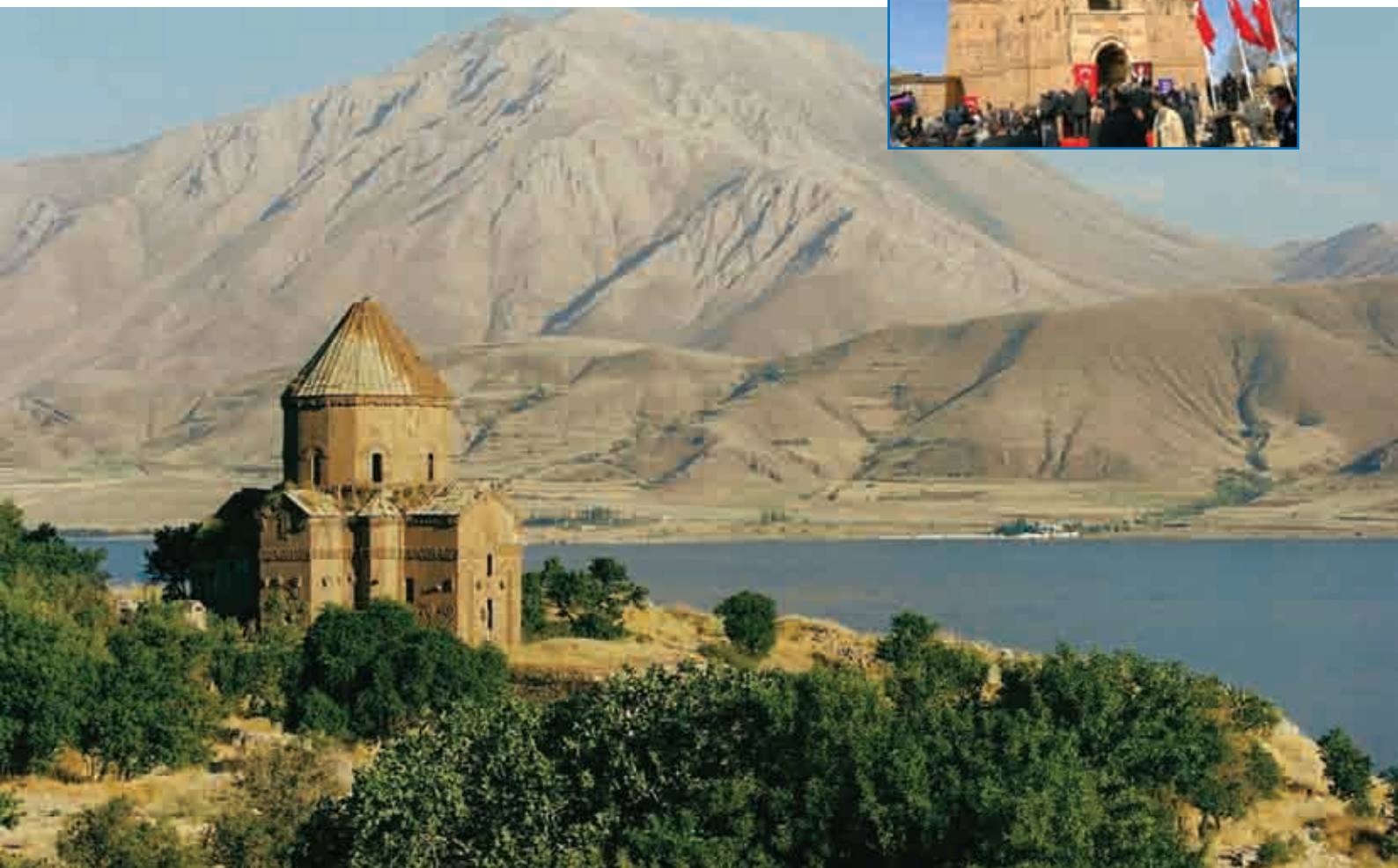
مراسم مذهبی در کلیسای سورپ خاچ بعد از نزدیک يك قرن مشارکت یا تحریم

همیشه مورد انتقاد اتحادیه اروپا بوده است. مرکز کلیسای سیلیسی واقع در لبنان به همین سبب نماینده‌ای به این مراسم نمی‌فرستد، چرا که فکر می‌کند با توجه به سیاست انکار قتل عام از سوی دولت ترکیه، این برنامه نمایش فریبکارانه‌ای است برای ارائه چهره‌ای موجه از این کشور در انظار جهانیان. شرکت یا عدم شرکت در مراسم بازگشایی کلیسای آختامار به عنوان يك بنای دینی موضوع بحث مطبوعات ارمنستان است و تلویزیون شانت هم که در ایران بیننده زیادی دارد هفته گذشته مناظره‌ای در این زمینه پخش کرد. کلیسای آختامار در فاصله سال‌های ۹۱۵ تا ۹۲۱ ساخته شده و یکی از زیباترین نمونه‌های معماری دینی ارمنی است.

يك بار توسط رهبر دینی ارمنه ترکیه در این کلیسا مراسم برگزار شود. انتظار می‌رود که از نقاط مختلف دنیا ارمنه برای شرکت در این مراسم به آختامار بیایند و اهالی محل از هم اکنون به فکر برای

صرفاً نمایشی است از سوی حاکمان ترکیه، برای این که به دنیا نشان دهند در کشورشان تساهل مذهبی وجود دارد، مخصوصاً این که رفتار ترکیه با اقلیت‌های قومی و دینی غیر ترک

روز ۱۹ سپتامبر برای نخستین بار در بیش از يك قرن در کلیسای سورپ خاچ (صلیب مقدس) جزیره آختامار دریاچه وان، مراسم کلیسایی برگزار می‌شود. این کلیسا که بعد از کشتار ارمنه آناتولی در سال‌های جنگ جهانی نخست و تخلیه و تخریب شهر ارمنی‌نشین وان به حالت نیمه‌ویران افتاده بود، در سال ۲۰۰۷ توسط دولت ترکیه به عنوان موزه مرمت و بازگشایی شد، اما اجازه نصب صلیب بر بالای آن داده نشد. اما اکنون موافقت شده است سالانه



روسیه

روز جمعه ۲۰ اگوست با امضاء قراردادی با ارمنستان، که اجازه می‌دهد يك پایگاه نظامی روسی تا سال ۲۰۴۴ در عوض تعهدات امنیتی و تسلیحاتی تازه، فعالیت کند، جای پای خود را برای زمانی طولانی در منطقه پراثری و بی‌ثبات قفقاز محکم کرد.

این زمان ۲۴ ساله اجازه می‌دهد جت‌های جنگنده و هزاران یکان پایگاه، محدودیت‌های

گذشته را برداشته و بیرون منطقه شوروی سابق فعالیت کنند.

این موافقت‌نامه می‌تواند میان ارمنستان و آذربایجان مجاور آن که با ناگورنو قره‌باغ (این منطقه ارمنی سرکش محاصره شده در درون آذربایجان) در کشمکش است تنش‌زا باشد. آذربایجان اتصالات قومی و فرهنگی را حفظ و رابطه با ترکیه را قطع کرده است.

رئیس‌جمهور سرژ سرکیسیان پس از صحبت

با رئیس‌جمهور روسیه دمیتری مدمدف گفت: «پروتوکول تنها مجوز ماندن پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان برای مدت طولانی را نمی‌دهد، بلکه دایره مسؤلیت استراتژیک و جغرافیایی روسیه را نیز افزایش می‌دهد».

این قرارداد بخشی از تلاش‌های روسیه برای قوت دادن به نفوذ روسیه در ملت‌های شوروی پیشین است، که باعث نگرانی خیلی از همسایه‌های آن شده است. روسیه در اگوست ۲۰۰۸ با گرجستان

پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان تا ۲۰۴۴ ماندگار شد



که از شمال با ارمنستان همسایه است جنگی کوچک داشت که تنش‌های آن همچنان بالاست.

سرگئی میناسیان يك کارشناس سیاست در ایروان به آسوشیتد پرس گفت: «روسیه می‌خواهد نقشش را به عنوان بازیگر کلیدی منطقه پررنگ کند».

نفوذ روسیه بر خاک شوروی پیشین، که رهبران روسیه آن را حوزه پرامتياز مورد علاقه خود اعلام کرده‌اند، به هر حال همچنان محدود باقی مانده است.

روسیه درگیر مجادلات سیاسی و اقتصادی حریصانه با بلاروس شده است که زمانی نزدیک‌ترین هم‌پیمان او بود. رهبران روس و بلاروسی یکدیگر را به ایجاد تنش روزافزون در روابط متهم کرده‌اند.

روسیه در مورد افزایش نفوذش در آسیای مرکزی نیز زیاد سخن گفته است و حسادت امریکا را به طور روز افزون افزایش داده است، اما وقتی دولت قرقیزستان در ماه ژوئن از مسکو خواست افراد خود را برای کمک به خاموش کردن درگیری‌های قومی بفرستد او کاری انجام نداد.

بعد از صحبت‌های رئیس‌جمهور ارمنستان و روسیه، رهبران يك پیمان امنیت میان هفت ملت شوروی سابق به رهبری مسکو نیز به آنان پیوستند.

مدودف گفت: «ناآرامی قرقیزستان نشان داد که سازمان رهبران سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی

(CSTO) باید بتواند در مواقع بحران، سریع‌تر و مؤثرتر جوابگو باشد». او گفت رهبران سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی توافق کردند طرحی را تا پایان سال شکل دهند و او پیشنهاد کرده تجربه دیگر سازمان‌ها مانند ناتو، اتحادیه اروپا و ملل متحد نیز مطالعه شود. ارمنستان روز جمعه هدیه‌ای هم از روسیه دریافت کرد که قراردادی برای ساخت دو راکتور جدید در تأسیسات انرژی هسته‌ای منطقه شوروی است. انتظار می‌رود کارهای ساختاری پروژه ۵ میلیاردی سال آینده آغاز شود.

روسیه از زمان از هم پاشی شوروی، روابط قطع شده با ارمنستان را از نو برقرار کرده و کمک‌های اقتصادی برای ملت محصورش فراهم کرده، اقتصادی که به دلیل درگیری آذربایجان و ترکیه در ناگورنو قره‌باغ فلج شده بود.

روسیه از پیش برای ارمنستان يك تضمین امنیتی تحت سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی فراهم کرده است و روشن نیست تعهد جدید چه تفاوتی با آن دارد.

بر اساس گفته‌های روسیه و ارمنستان به منابع رسمی، پایگاه روسیه در ارمنستان حدود ۵۰۰۰ یکان دارد، به همراه جت‌های جنگنده میگ ۲۹ و توپ‌های ضد هوایی اس ۳۰۰. مدودف گفت این پایگاه قصد دارد "از آرامش و ثبات در قفقاز جنوبی و کل منطقه پشتیبانی کند".

ناگورنو قره‌باغ از زمانی که درگیری

شش ساله‌اش با آتش‌بس ۱۹۹۴ پایان یافت تحت کنترل نیروهای ارمنی قومی بوده است.

آذربایجان همواره در مورد همکاری نظامی روسیه و آذربایجان توجه نشان داده است.

روسیه به همراه ایالات متحده و فرانسه در تلاش‌های واسطه‌گرانه برای درگیری ناگورنو قره‌باغ تحت توجهات سازمان امنیت و همکاری در اروپا شرکت می‌جوید، اما تلاش برای رسیدن به يك راه حل، شکست خورده و برخوردهای گاه و بی‌گاه در فضایی پرتنش در اطراف منطقه ادامه دارد.

سرکیسیان روز جمعه گفت: «ما نه در صلحیم و نه در جنگ. خیلی بد است که صلح نداریم اما دست‌کم در جنگ هم نیستیم».

ترکیه و ارمنستان در اکتبر گذشته توافق‌نامه‌ای برای برگرداندن روابط دیپلماتیک به حال اول امضاء کردند و مرزهای مشترک را گشودند، اما به آن رسمیت نداده‌اند.

رهبران سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی که در کنار آن‌ها رهبران بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان نیز حضور داشتند تصمیم داشتند گفت‌وگوی غیر رسمی را روز شنبه ادامه دهند.

نویسنده آسوشیتد پرس، ولادیمیر ایساچنکف، در نگارش این گزارش همکاری داشته است.

منبع: روزنامه واشنگتن پست

ترجمه: نسیم نجفی



گزارش اقتصادی سازمان توسعه ارمنستان

توانایی‌های اقتصادی و مزایای سرمایه‌گذاری در ارمنستان

ارمنستان با پایتخت خود ایروان واقع در منطقه قفقاز جنوبی میان دریای سیاه و خزر، کشوری است که از شمال با گرجستان و آذربایجان و از جنوب و غرب، با ایران و ترکیه هم‌مرز است.

از آنجایی که ارمنستان در چهار راه اروپا- خاورمیانه واقع شده و امکان استفاده از موقعیت جغرافیایی و روابط حسنه خود با اروپا، خاورمیانه و کشورهای تازه استقلال یافته را در جهت افزایش حجم تجارت بین کشورها دارد می‌تواند مرکزی مناسب برای آغاز همکاری‌های بین‌المللی باشد. به‌علاوه به دلیل نظام تجارت آزاد با کشورهای تازه استقلال یافته، سرمایه‌گذاران خارجی در ارمنستان از توانایی دسترسی به بازار ۲۵۰ میلیون معاف از مالیات برخوردارند. گسترش اتحادیه اروپا در اول ماه می ۲۰۰۴ در واقع وابستگی متقابل سیاسی و اقتصادی میان ارمنستان و اتحادیه اروپا را بیش از پیش افزایش داد و موقعیتی بی‌نظیر برای ارمنستان و اروپا در جهت تحکیم روابط و حجم عظیم مبادلات پدید آورد.

همانند بقیه کشورهای که اخیراً به اتحادیه اروپا پیوسته‌اند و از این طریق موفق به جذب سرمایه‌گذاری‌های موفق و چشمگیر شده‌اند، ارمنستان نیز در نظر دارد از این پتانسیل عظیم در جهت همکاری‌ها و کسب شرکای جدید استفاده کند. با برخورداری از نیروی انسانی ماهر و ورزیده و منابع فرهنگی قوی خود، این کشور آماده انجام پروژه‌های عظیم و حرکت به سوی توسعه روزافزون است.

با توجه به گستردگی و حجم بالای مهاجرین ارمنی تبار در سراسر دنیا، و سابقه موفق تجارت فرامرزی، دنیای پان ارمنیان برای همکاری و ایجاد پلی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، اهمی مناسب است. علاوه بر موارد فوق، کشور ارمنستان با

کشور دیگر عضو جمهوری شوروی سابق که از این مزیت برخوردارند عبارتند از مولداوی، گرجستان و آذربایجان.

نیروی کار ماهر و تحصیل‌کرده ارمنستان غالباً یکی از مزایای اصلی این

کشور به شمار می‌آید. امروزه علم و تکنولوژی اهمیت به‌سزایی برای آینده ارمنستان دارد و جمعیت تحصیل‌کرده می‌تواند سنگ بنای محکمی برای سیاست‌گذاران این جمهوری باشد.

ارمنستان زمینه خوب و اساسی برای توسعه دانش اقتصادی دارد. مشاغل آبی و نرم‌افزار بهترین و بالاترین استعدادها را در این کشور به خود جذب کرده است.

پس از استقلال ارمنستان در سال ۱۹۹۱ اصلاحات سیاسی و اقتصادی همراه با سیاست تجارت آزاد مبتنی بر اقتصاد بازار، تأثیر مثبت فراوان بر رشد اقتصادی این کشور داشته است و در رابطه با تورم در پنج سال اخیر، نرخ تورم در حد پایین ثابت نگاه داشته شده و این باعث رشد اقتصادی شده است و بنا بر گفته بانک مرکزی ارمنستان، نرخ تورم در پنج سال اخیر تنها ۴٪ بوده است.

در این راستا، دولت بارها تصمیم خود مبنی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را اعلام داشته است و در این مورد با هدف رشد اقتصادی و تضمین فقرزدایی کاملاً مصمم است. در این راستا تأکید دولت بر جذب سرمایه‌های خارجی به عنوان ابزار تولید فعالیت‌های صنعتی و همچنین مدرنیزه کردن فعالیت‌های موجود است. اولویت دیگر رشد اقتصادی دولت عبارت است از ایجاد تنوع صنعتی. از این رو ایجاد موقعیت‌های مناسب جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جذب افراد چند ملیتی، بهبود فضای کار و سرمایه‌گذاری و تشکیل زیر بنای اطلاعات اقتصادی برای رشد اقتصادی این کشور اهمیت خاص دارد.

بنا بر آنچه گفته شد می‌توان ادعا کرد کشور

برخورداری از روابط فرهنگی و زبانی خود، نظام‌های متعدد و متنوع تجاری مناسبی ارائه می‌دهد که این کشور را در واقع به محلی مناسب برای تولید و دستیابی به دیگر بازارها تبدیل می‌کند. این نظام‌ها عبارتند از:

• تعرفه‌های «مناسب‌ترین کشور» MOST (FAVORITE NATION) MFN برای کشورهای عضو تجارت جهانی:

اکثر شرکای تجاری ارمنستان، کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی هستند و روابط تجاری با اکثر این کشورها مبتنی بر وضعیت MFN (مناسب‌ترین کشور) است که برای کشورهای عضو، تعرفه‌هایی پایین‌تر قائل است.

بر اساس قوانین سازمان تجارت جهانی، تجار بومی و خارجی در برابر قانون یکسان بوده و همگی از مزایای یکسان برخوردارند و کشور ارمنستان در تجارت با ایالات متحده آمریکا، کانادا، اتحادیه اروپا و ژاپن، از مزیت سیستم معافیت از حقوق گمرکی (GSP) برخوردار است که بر اساس آن محموله‌های صادراتی از کشور ارمنستان به این ممالک مشمول تعرفه‌های پایین‌تر هستند.

• سیستم معافیت از حقوق گمرکی GSP: از ۱ ژانویه ۲۰۰۴، ارمنستان یکی از چهار کشور عضو کشورهای مستقل مشترک‌المنافع COMMONWEALTH OF INDEPENDENT STATES) CIS و یکی از شانزده کشور دنیا است که از نظام سیستم معافیت از حقوق گمرکی اتحادیه اروپا برخوردار است. برخورداری از این مزیت، به ارمنستان توان صدور ۷۰۰۰ محصول به بازار آزاد گمرکی اتحادیه اروپا را می‌دهد. سه

ارمنستان امروزه يك کشور مستحکم مبتنی بر بازار آزاد است که در میان کشورهای تازه استقلال یافته، لیبرال‌ترین سیستم قانون‌گذاری تجاری را دارد.

اکثریت میانگین سنی مردم ارمنستان بین ۱۷- و سطح تحصیلی آنها بالاست. آموزش از